۱۰۷-۱۲۰

شناسایی شاخصهای مدرسه موفق در مقطع متوسطه شهر کرمانشاه (مدرسه‌ای برای زندگی): یک مطالعه دلفی*

مرضیه سلطانکوهی[۱] ◉ دکتر محمدسجاد صیدی[۲] ◉ دکتر محسن گل‌محمدیان[۳]

چکیده: **پژوهش حاضر با هدف شناسایی شاخصهای مدرسه موفق در مقطع متوسطه انجام شده است. روش پژوهش کیفی و از نوع مطالعه دلفی به‌روش کلاسیک بود. جامعه پژوهش حاضر متشکل از همهٔ متخصصان حوزه کودک و نوجوان شهرستان کرمانشاه بود و شرکت‌کنندگان در این پژوهش به‌عنوان گروه پانل ۱۵ نفر از اساتید دانشگاه و مشاوران و معلمان آموزش‌وپرورش بودند. این پژوهش در چهار گام انجام شده است. در گام اول پرسشنامه‌ای با یک سؤال باز طراحی شد (از نظر شما یک مدرسه موفق دارای چه ویژگیهایی است؟). از تحلیل داده‌های کیفی حاصل از پاسخهای شرکت‌کنندگان به این سؤال ۱۲۰ کد، ۱۶ زیرشاخص، سپس ۴ شاخص اصلی (رشد هیجانی، رشد اجتماعی، رشد شغلی، رشد شناختی- تحصیلی) استخراج شدند. در گام دوم با استفاده از کدهای استخراج شده، یک پرسشنامه ۶۶ سؤالی برای تصمیم‌گیری گروه پانل طراحی شد و ملاک برای پذیرش هر گویه کسب ضریب توافق ۸۰ درصدی تعیین شد. در نهایت پس از طی سه‌مرحله پاسخگویی مجدد، ۴ سؤال حذف شد و گروه پانل در مورد ۶۲ سؤال به توافق نهایی رسیدند. نتیجه اینکه، مدرسه‌ای موفق است که بتواند نوجوانان را برای زندگی آینده از طریق پرداختن و برنامه‌ریزی در چهار بعد رشد هیجانی، رشد اجتماعی، رشد شغلی و رشد شناختی- تحصیلی آماده کند و هدف خود را صرفاً آماده کردن دانش‌آموزان برای موفقیت در کنکور قرار ندهد.**

کلید واژگان: **مدرسه موفق، نوجوانی، رشد شناختی- تحصیلی، رشد هیجانی، رشد شغلی، رشد اجتماعی**

☑ تاریخ دریافت: ۹۷/۹/۲۹ ☑ تاریخ پذیرش: ۹۸/۹/۱

* *این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسندهٔ اول است.*

۱. کارشناس ارشد مشاوره مدرسه، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. m.soltankohi@gmail.com
۲. **نویسنده مسئول:** استادیار گروه مشاوره، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. m.seydi@razi.ac.ir
۳. استادیار گروه مشاوره، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. mgolmohammadian@razi.ac.ir

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1401.38.2.6.6]

مقدمه

نوجوانی یک دورهٔ رشـــد سریع و حیاتی است که با رشد ســـریع جسمی (مثل بلوغ)، روانشناختی (مثل ارتقای خودشناسی)، شناختی (مانند افزایش ظرفیت در مهارتهای تصمیم‌گیری)، اجتماعی (مانند افزایش اهمیت همســـالان) و شغلی (مثل آمادگی و انتخاب شـــغل) مشخص می‌شود (اسکات-پارکر[1]، ۲۰۱۷؛ دانســـیو[2]، ۲۰۱۴). دوره‌ای ضروری برای کسب، تمرین، توسعه و گسترش مهارتهای اجتماعی، نگرشها و رفتارهاست و مدارس در این زمینه نقشی مهم ایفا می‌کنند (دیپَسک و گالوان[3]، ۲۰۱۷؛ گبورز، گایزل، ادمیرال، یورگنسن و تندام[4]، ۲۰۱۵). جنبه‌های گوناگون محیط مدرسه و دیگر عوامل مرتبط با آن مانند دلبســـتگی به مدارس، رضایت از مدرسه، معلم، حمایت همسالان، مشارکت والدین، اعتقادات علمی، ادراک خودمختاری تحصیلی و تعامل در یادگیری با جنبه‌های مختلف رشـــد روانی، اجتماعی، شناختی و شغلی مرتبط‌اند (ودر، بوکارتز، سیگرز[5]، ۲۰۰۵).

از آنجا که دانش‌آموزان بیشترین ساعتهای روز خود را در مدرسه می‌گذرانند، بنابراین مدرسه بستری مهم برای رشد فردی و اجتماعی افراد است (تامچیک، اسنسی و هانوینکل[6]، ۲۰۱۵) و در فرایند شکل دادن نقشهای اجتماعی موجود و رشـــد اجتماعی دانش‌آموزان مؤثر است (کرازنو و جانسون[7]، ۲۰۱۱). مدرســـه می‌تواند با توسعه مهارتهایی که ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی نوجوانان را بهبود می‌بخشد و همچنین آموزش مهارتهای مثبت زندگی، آموزش آداب معاشرت، مسئولیت‌پذیری و اطاعت از قوانین، فرصتی مناسب را برای مشارکتهای سیاسی و اجتماعی نوجوانان فراهم و آنها را برای زندگی آینده آماده کند (کمبل-هایدر، تاتل، بیدوِل- ســـرون، ریچســـون و کالینز[8]، ۲۰۰۳؛ لطف‌آبادی، ۱۳۸۰). در ضمن مدرسه در توسعه و حفظ و حراست از فرهنگ و انتقال دادن آن به نسل آینده سهم بسیار دارد و مکلف است که دانش‌آموزان را با ارزشهای اجتماعی و مبانی اخلاقی (فردی و اجتماعی) آشنا سازد. متخصصان آموزش‌وپرورش بر این باورند که موفقیت دانش‌آموزان در مقاطع دبیرســـتان و راهنمایی فراتر از مواجه شدن با آموزش با کیفیت بالا و تسلط بر مهارتهای پایه علمی مانند ریاضیات و خواندن و نوشتن است. در واقع مدرســـه باید فضایی مناســـب برای رشـــد و تحول دوران نوجوانی از نظر شـــناختی، هیجانی، شخصیتی، شغلی و اجتماعی ایجاد کند (هویگهرست، کیهو و هارلی[9]، ۲۰۱۵).

1. Scott-Parker
2. Danciu
3. DePasque & Galván
4. Geboers, Geijsel, Admiraal, Jorgensen & ten Dam
5. Vedder, Boekaerts & Seegers
6. Tomczyk, Isensee & Hanewinkel
7. Crosnoe & Johnson
8. Campbell-Heider, Tuttle, Bidwell-Cerone, Richeson & Collins
9. Havighurst, Kehoe & Harley

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1401.38.2.6.6]

در طـــول تاریـــخ آموزش‌وپـــرورش، برنامه‌ریزان مدارس و مربیان، در جســـت‌وجوی شـــاخصها یا استانداردهای مدرســـه موفق بوده‌اند. مثلاً گلاسر[1](۱۹۹۰، ترجمه صاحبی، ۱۳۹۲) ضمن انتقاداتی که به وضعیت مدارس در دنیای امروز دارد، مفهوم مدرسه کیفی را به‌منزلهٔ یک مدرسه موفق مطرح کرده اســـت که در آن اصول نظریه انتخاب پیاده می‌شود. مدارسی که در آن شکست تحصیلی وجود ندارد و همه دانش‌آموزان می‌توانند به کیفیت بالای تحصیلی دست یابند و مشخص می‌کند که چگونه می‌توان بدون ابزار تهدید و سرزنش، تغییراتی عمیق و معنادار را در حیطهٔ درسی و انضباطی دانش‌آموزان به‌وجود آورد. گلاســـر بر این باور اســـت که نوجوانانی که در مدارس کیفی تحصیل می‌کنند، درگیر رفتارهای خودتخریبگر نخواهند شـــد و ســـرمایه جامعه خود محسوب می‌شـــوند (هیل و روبی[2]، ۲۰۱۹؛ گلاسر (۱۹۹۰، ترجمه صاحبی، ۱۳۹۲) با وجود این چنین مفهومی صرفاً مبتنی بر نظریه بوده و از دل داده‌های میدانی و بومی به‌دست نیامده است.

متخصصان آموزش‌وپرورش اذعان دارند که مدارس در کشـــور ما به‌هیچ عنوان در پرداختن به همه جنبه‌های رشد و تحول دانش‌آموزان موفق نبوده‌اند و به‌ندرت می‌توانیم یک مدرسه استاندارد و آرمانی در نظام آموزشی کشورمان معرفی کنیم که تمام مؤلفه‌های تربیتی در آن به درستی رعایت شده باشد (مجدفر، ۱۳۸۵)، چرا که ممکن اســـت مدرســـه‌ای در بعد آموزشی بسیار موفق عمل کند، به‌طوری‌که شـــاهد پیشرفت چشمگیری از فعالیتهای آن باشـــیم، اما در ابعاد دیگر رشدی دچار ضعفهای فاحش و غیرقابل‌جبرانی باشد (جهانیان و بلادی‌نژاد، ۱۳۹۱).

یکی دیگر از مسائلی که با آن مواجه‌ایم نداشتن دیدگاهی منسجم برای ارزیابی عوامل موفقیت یک مدرسه و همچنین نداشتن یک تعریف واحد از مدرسه موفق با توجه به مؤلفه‌های بومی و فرهنگی است. استخراج عوامل موفقیت مدارس از یک‌سو سبب بهبود و اصلاح عملکرد مدارس می‌شود و از سوی دیگر شناســـایی این ملاکها سبب می‌شـــود که جو رقابتی سالمی میان مدارس ایجاد شود و مدارس از لحاظ کیفی و کمی بهبود یابند (فلسفی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۶). با وجود اهمیت موضوع، تاکنون مطالعه مدون و منسجمی در زمینه مدرسه موفق و با یک روش‌شناسی صحیح که بر بافت فرهنگی اجتماعی مبتنی باشـــد، انجام نشده اســـت و خلأ آن به‌شدت احساس می‌شود. از طرفی هم به‌نظر می‌رسد با تکیه صرف بر اطلاعات کمی، بدون به‌کارگیری روشـــهای کیفی که داده‌ها و اطلاعات فرهنگی و بافتی را در نتایج خود لحاظ می‌کند، نمی‌توان به طرحی علمی و کاربردی از مدرسه موفق دست یافت تا بتواند جنبه‌های رشـــدی (شناختی، هیجانی، اجتماعی، شغلی و شخصیتی) نوجوانان را پوشش دهد. ازاین‌رو با توجه به مطالب گفته شده، پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این سؤال است که در بافت فرهنگی – اجتماعی شهرستان کرمانشاه مدرسه موفق دارای چه شاخصهایی است؟

1. Glasser
2. Hale & Robey

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1401.38.2.6.6]

روش‌شناسی

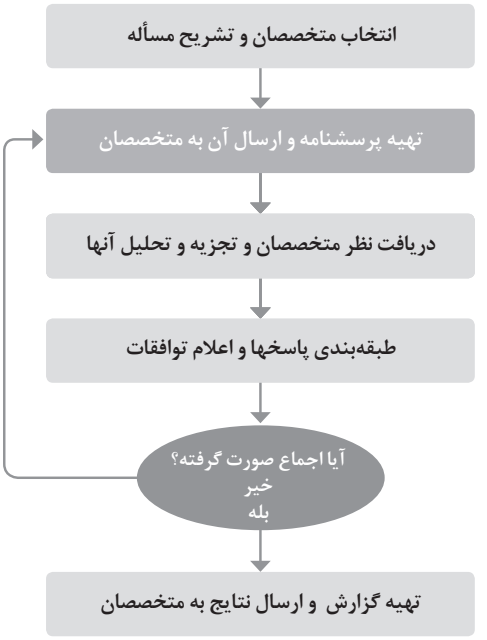
روش پژوهش حاضر کیفی و از نوع مطالعه دلفی است. از روش دلفی در آینده‌پژوهی استفاده می‌شود. این‌روش فرایندی ساختاریافته برای گردآوری و طبقه‌بندی دانش موجود نزد گروهی از کارشناسان و خبرگان است که برای رسیدن به اتفاق‌نظر بر سر موضوعی خاص طراحی شده است (لینستون و تِراف[1]، ۲۰۰۲). از میان انواع روشهای دلفی، شیوه دلفی کلاسیک[2] استفاده شده که ویژگیهایی همچون گمنامی متخصصان، تکرار یا بازگویی بازخورد کنترل‌شده، گزارشهای آماری پاسخهای گروه و تمرکز بر اجماع است که مراحل آن در شکل شماره ۱ شرح داده شده است (کینی، هاسون و مک‌کنا[3]، ۲۰۱۱).

جامعه پژوهش حاضر متشکل از همهٔ متخصصان حوزه کودک و نوجوان بود که در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ در شهر کرمانشاه سکونت داشته‌اند. ملاک ورود به پژوهش حاضر، داشتن مدرک کارشناسی ارشد و دکتری در رشته مشاوره، روانشناسی، علوم تربیتی، مدیریت، جامعه‌شناسی، با حداقل پنج سال سابقه کار در مراکز تربیتی و آموزشی شهرستان کرمانشاه و دارا بودن حداقل دو مقاله علمی- پژوهشی یا یک کتاب (تألیف یا ترجمه) در حوزه‌های تربیتی و تحولی، یا داشتن ۱۵ سال سابقه کار برای افرادی بود که مدارک آنها در رشته‌های علوم پایه بود.

گروه پانل به سؤالات در چهار گام پاسخ دادند. در گام اول به یک سؤال بازپاسخ مبنی بر اینکه «به نظر شما مدرسه موفق دارای چه ویژگیهایی است؟» پاسخ دادند. پس از تحلیل محتوا و کدگذاری پاسخها به روش کولایزی، ۱۲۰ کد، ۱۶ زیرشاخص و سپس ۴ شاخص با عنوان رشد هیجانی، رشد اجتماعی، رشد شغلی و رشد شناختی- تحصیلی استخراج شدند. سپس یک پرسشنامه ۶۶ سؤالی مبتنی بر کدهای استخراج شده و چهار شاخص اصلی طراحی شد و طی سه گام بعدی مورد ارزیابی گروه پانل قرار گرفت. ملاک تصمیم‌گیری برای پذیرش هر شاخص به این صورت بود که اگر میزان توافق موردنظر در شاخص پیشنهادی کمتر از ۴۰ درصد بود از تحلیل حذف شود و در مواردی که توافق جمعی در شاخص مذکور بیش از ۸۰ درصد بود مورد پذیرش واقع شود. مواردی نیز که میزان توافق ۴۰ تا ۸۰ درصد بود همراه با موارد جدید پیشنهاد شده از سوی متخصصان وارد دور بعدی شود (کینی و همکاران، ۲۰۱۱؛ صدوقی، نصیری و لنگری‌زاده، ۱۳۹۳). در این پژوهش میزان توافق براساس درصد افرادی تعیین شد که دو گزینه انتهایی بسیار زیاد و زیاد را انتخاب کرده بودند و تا رسیدن به اتفاق‌نظر این فرایند ادامه داشت. یادآور می‌شود که در پرسشنامه طراحی شده برای گامهای سوم و چهارم (دورهای دوم و سوم مطالعه دلفی)، ابتدا توضیحاتی مختصر از نتایج دور پیشین مطالعه و برای هر گویه نظرات موافق و مخالف گروه پانل ارائه شد، سپس از گروه خواسته شد تا با توجه به اطلاعات به‌دست آمده مجدداً ارزیابی خود را براساس نظرات سایرین در مورد گویه‌های باقی‌مانده در یک طیف لیکرتی ۷ درجه ای (از بسیار کم تا بسیار زیاد) مشخص کنند.

1. Linstone & Turoff
2. Classical Delphi
3. Keeney, Hasson & McKenna

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1401.38.2.6.6]



شکل ۱. فرایند اجرای مطالعه دلفی

یافته‌ها

شـــرکت‌کنندگان در این پژوهش به‌عنوان گروه پانل ۱۵ نفر از اساتید دانشگاه و مشاوران و معلمان آموزش‌وپرورش بودند. اطلاعات جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان در جدول ۱ شرح داده شده است.

جدول ۱. اطلاعات جمعیت‌شناختی متخصصان شرکت‌کننده (گروه پانل)

ردیف	جنسیت	سن	مدرک- رشته	شغل	تعداد مقالات علمی	تعداد کتاب	سابقه کار
۱	مرد	۳۵	دکتری تخصصی مشاوره	هیأت علمی دانشگاه	۱۷	۵	۱۰ سال
۲	مرد	۳۸	دکتری تخصصی مشاوره	هیأت علمی دانشگاه	۱۰۰	۴	۱۶ سال
۳	مرد	۳۵	دکتری علوم تربیتی	هیأت علمی دانشگاه	۱۰	۴	۳۰ سال
۴	زن	۳۷	دکتری روانشناسی بالینی	هیأت علمی دانشگاه	۳۰	۵	۱۰ سال
۵	زن	۴۲	لیسانس مطالعات اجتماعی	معلم	۰	۰	۲۶ سال
۶	مرد	۵۵	دکتری مطالعات برنامه‌ریزی درسی	هیأت علمی دانشگاه	۷۵	۳	۲۵ سال

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1401.38.2.6.6]

جدول ۱. (ادامه)

ردیف	جنسیت	سن	مدرک- رشته	شغل	تعداد مقالات علمی	تعداد کتاب	سابقه کار
۷	زن	۴۷	لیسانس روانشناسی عمومی	مشاور مدرسه	۲	۰	۲۷ سال
۸	زن	۴۵	دانشجوی دکتری روانشناسی عمومی	معلم	۲	۰	۲۰ سال
۹	زن	۳۳	فوق لیسانس مشاوره	مشاور مدرسه	۲	۰	۸ سال
۱۰	مرد	۳۲	دکتری روان‌سنجی	هیأت علمی دانشگاه	۱۰	۱	۵ سال
۱۱	مرد	۴۷	دکتری روانشناسی عمومی	مشاور مدرسه	۴	۲	۲۵ سال
۱۲	مرد	۴۲	لیسانس روانشناسی عمومی	مشاور مدرسه	۳	۰	۱۷ سال
۱۳	زن	۵۱	فوق لیسانس علوم تربیتی	مشاور مدرسه	۴	۰	۳۳ سال
۱۴	مرد	۴۲	دانشجوی دکتری مشاوره	مشاور مدرسه	۱۵	۰	۲۷ سال
۱۵	مرد	۴۴	فوق لیسانس روانشناسی تربیتی	مشاور مدسه	۰	۱	۲۷ سال

در گام اول پژوهش پس از گردآوری پرسشـــنامه‌ها از طریق پســـت الکترونیکی و تحلیل محتوای مصاحبه‌ها، پرسشنامه‌ای ۶۶ ســـؤالی براساس کدهای استخراج شده از تحلیل کیفی تنظیم و در قالب یک طیف لیکرتی ۷ درجه‌ای به گروه پانل ارائه شـــد تا به‌این‌ترتیب مطالعه دلفی آغاز شود. در دور اول مطالعه دلفی این پرسشنامه مورد اررزیابی متخصصان قرار گرفت، ۵۱ گویه توانستند ضریب توافق ۸۰ درصد و بالاتر را کسب کنند که به‌معنای پذیرش گویه‌ها بود. ۱۵ گویه (۹، ۱۰، ۱۴، ۱۵، ۱۹، ۲۲، ۲۵، ۲۷، ۲۸، ۳۵، ۴۱، ۵۷، ۵۸، ۶۱، ۶۳) ضریب توافقی ۴۰ تا ۸۰ درصد را کسب کردند و برای نظرسنجی مجدد به دور بعد ارجاع داده شـــدند. براســـاس نظر کینی و همکاران (۲۰۱۱) اگر در این دور برای همه گویه‌ها توافق حاصل شود، مطالعه دلفی پایان خواهد یافت. اما تنها ۱۱سؤال ضریب توافق ۸۰ درصد و بالاتر را کسب کردند و ۴ گویه (۱۵، ۲۷، ۳۵، ۵۷) ضریب توافقی ۴۰ تا ۸۰ درصد را کسب کردند و برای نظرســـنجی مجدد در دور بعد انتخاب شدند. در دور سوم مطالعه دلفی نیز هیچ یک از ۴ سؤال ضریب توافق بالای ۸۰ درصد را کسب نکردند و مجدداً ضریب توافقی ۴۰ تا ۸۰ درصد را کسب کردند. بنابراین پژوهش در این مرحله متوقف شد، چرا که پرسشهای فوق در دو مرحله ارزیابی مجدد باز هم نتوانستند پذیرش گروه پانل را کسب کنند و هنوز در مورد آنها اختلاف‌نظر وجود دارد (کینی و همکاران، ۲۰۱۱). در جدولهـــای ۲ و ۳ به‌ترتیـــب گویه‌های مورد توافق و نیز گویه‌هایی با عـــدم توافق گروه پانل همراه با ضرایب توافق آنها گزارش شده است.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1401.38.2.6.6]

جدول ۲. گویه‌های مورد توافق گروه پانل

شماره	گزاره	ضریب توافق	تصمیم
۱	توجه به رشد هیجانی دانش‌آموزان	۸۶/۷	پذیرش
۲	آموزش مدیریت نحوه ابراز هیجانات	۱۰۰	پذیرش
۳	توجه کافی به فعالیتها و بازیهای نمایشی	۹۳/۳	پذیرش
۴	توجه به زمان و فضای کافی برای پرورش رشد هیجانی	۱۰۰	پذیرش
۵	توجه به رشد اجتماعی	۱۰۰	پذیرش
۶	معرفی مشاهیر و افتخارات بومی	۸۶	پذیرش
۷	استفاده از نتایج تحقیقات علمی در جهت یادگیریهای اجتماعی	۸۰	پذیرش
۸	نقش مرجعیت مدرسه در بین نهادهای محلی و اجتماعی	۸۶	پذیرش
۹	ارتباط مدرسه با سایر نهادهای علمی‌اجتماعی	۸۶/۷	پذیرش
۱۰	توجه به رشد شغلی	۸۰	پذیرش
۱۱	در اختیار گذاشتن اطلاعات بازار کار	۸۰	پذیرش
۱۲	امکاناتی برای کاوش شغلی دانش‌آموزان	۸۰	پذیرش
۱۳	ارتباط با مراکز تحقیقاتی حوزه شغل	۸۰	پذیرش
۱۴	فراهم کردن شرایط انتقال از مدرسه به بازار کار	۸۰	پذیرش
۱۶	ارتقای روحیه امید و کار و تلاش در دانش‌آموزان	۸۰	پذیرش
۱۷	توجه به رشد شناختی	۸۶/۷	پذیرش
۱۸	توجه به تفاوتهای فردی	۹۳/۳	پذیرش
۱۹	تأکید و نظارت بر اجرای مقررات داخلی	۸۶/۷	پذیرش
۲۰	بازسازی شناختی دانش‌آموزان	۸۶/۷	پذیرش
۲۱	رشد خلاقیت دانش‌آموزان	۸۶/۷	پذیرش
۲۲	تشخیص و درمان اختلالات رفتاری	۸۰	پذیرش
۲۳	انتخاب رشته تحصیلی	۸۰	پذیرش

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1401.38.2.6.6]

جدول ۲. (ادامه)

شماره	گزاره	ضریب توافق	تصمیم
۲۴	آموزش شیوه‌های صحیح مطالعه	۸۶/۷	پذیرش
۲۵	برگزاری کلاسهای تقویتی	۸۰	پذیرش
۲۶	ریشه‌یابی و رصد افت تحصیلی	۹۳/۳	پذیرش
۲۸	درک مفهوم ریاضی در زندگی	۸۶/۷	پذیرش
۲۹	استفاده نکردن از سیستم متکلم وحده برای تدریس	۹۳/۳	پذیرش
۳۰	دور کردن جو مدرسه از رقابتهای پرتنش	۱۰۰	پذیرش
۳۱	محتوای تدریس مناسب با نیازمندیها و علایق دانش‌آموزان	۸۰	پذیرش
۳۲	استفاده از فناوریهای روزآمد	۹۳/۳	پذیرش
۳۳	استفاده از گروههای درسی دانش‌آموزی	۹۳/۳	پذیرش
۳۴	اختیار دادن به معلم در انتخاب محتوای درسی	۸۰	پذیرش
۳۶	اجرای برنامه بازی‌درمانی در موارد موردنیاز	۸۰	پذیرش
۳۷	کم بودن نسبت دانش‌آموز به معلم	۹۳/۳	پذیرش
۳۸	توجه به داشتن فضای فیزیکی شاد	۸۶/۷	پذیرش
۳۹	توجه به مساحت کلاسها، حیاط و فضای بازی	۱۰۰	پذیرش
۴۰	توانمندسازی کارکنان برای استفاده از فناوری	۹۳/۳	پذیرش
۴۱	توجه به امنیت در داخل و خارج از مدرسه	۸۰	پذیرش
۴۲	اجرا و پخش موسیقی زنده	۸۰	پذیرش
۴۳	استفاده از پوشش گیاهی زنده در محیط مدرسه	۸۰	پذیرش
۴۴	طولانی کردن حضور دانش‌آموزان در مدرسه و کم بودن ساعتهای حضور در کلاس	۸۶/۷	پذیرش
۴۵	اختصاص دادن کلاس مربوط به هر درس به صورت اختصاصی	۸۶/۷	پذیرش
۴۶	موقعیت جغرافیایی خوب و دسترسی آسان	۸۰	پذیرش
۴۷	نزدیک کردن ارزشهای مدرسه به خانواده و جامعه	۸۰	پذیرش
۴۸	ارتباط مستمر والدین با مدرسه	۹۳/۳	پذیرش

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1401.38.2.6.6]

جدول ۲. (ادامه)

شماره	گزاره	ضریب توافق	تصمیم
۴۹	ارتباط مستمر مدرسه با والدین	۱۰۰	پذیرش
۵۰	برگزاری کلاسهای راهنمایی خانواده	۹۳/۳	پذیرش
۵۱	برگزاری کلاسهای راهنمایی دانش‌آموزان	۸۶/۷	پذیرش
۵۲	ویژگیهای معلمان (اخلاقی، فرهنگی، تحصیلات بالا و...)	۸۰	پذیرش
۵۳	استفاده کردن از تیم مشاوره و خدمات یاورانه	۸۰	پذیرش
۵۴	رعایت سلسله‌مراتب میان کارکنان مدرسه	۸۶/۷	پذیرش
۵۵	تجهیز معلمان به روشها و فناوریهای مدرن تدریس	۸۶/۷	پذیرش
۵۶	هماهنگی، هم‌افزایی و روحیه تیمی در میان کارکنان	۱۰۰	پذیرش
۵۸	خشک و رسمی نبودن پوشش معلمان	۸۶/۷	پذیرش
۵۹	ایجاد فضای تعامل و همکاری میان معلمان	۱۰۰	پذیرش
۶۰	در نظر داشتن سطح رفاه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خانواده‌ها	۸۰	پذیرش
۶۱	استقرار مددکار اجتماعی در مدرسه	۸۶/۷	پذیرش
۶۲	دارا بودن اهداف کوتاه‌مدت، بلندمدت و میان‌مدت	۱۰۰	پذیرش
۶۳	پالایش علمی کارکنان	۸۰	پذیرش
۶۴	آشنایی کارکنان مدرسه با بافت فرهنگی‌اجتماعی	۸۶/۷	پذیرش
۶۵	به‌کارگیری کارکنان در جایگاه مرتبط با رشته خود	۱۰۰	پذیرش
۶۶	داشتن رضایت شغلی درونی و بیرونی معلمان	۸۵/۷	پذیرش

جدول ۳. گزاره‌های توافق‌نشدهٔ گروه پانل

شماره	گزاره	ضریب توافق	تصمیم
۱۵	طراحی سیستمی برای در اختیار گرفتن نیازمندیهای شغلی	۶۶/۷	عدم پذیرش
۲۷	انجام دادن تکالیف در مدرسه	۶۶/۷	عدم پذیرش
۳۵	ارزشیابی به صورت کیفی	۷۳/۳	عدم پذیرش
۵۷	ایجاد رقابت سالم با سایر مدارس	۶۰	عدم پذیرش

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1401.38.2.6.6]

نتایج جدولهای ۲ و ۳ نشـــان می‌دهد که از میان ۶۶ گویه اســـتخراج شده از تحلیل کیفی دور اول، ۶۲ گویه آن از نظر متخصصان با ویژگیهای مدرســـه موفق مطابقت دارند و مورد تأیید ایشـــان است و در مورد چهار گویه توافقی وجود ندارد. همچنین گـروه پانل روی گـویه‌های ۲ (آمـوزش مـدیریـت نحوهٔ ابراز هیجانات)، ۴ (توجه به زمان و فضای کافی برای پرورش رشد هیجانی)، ۵ (توجه به رشد اجتماعی)، ۳۰ (دور کردن جو مدرسه از رقابـتهای پرتنش)، ۳۹ (توجه به مسـاحت کلاسها، حیـاط و فضای بازی)، ۴۹ (ارتباط مدرسه با والدین)، ۵۶ (هماهنگی، هم‌افزایی و روحیه تیمی در میان کارکنان)، ۵۹ (فضای تعامل و همکاری میان معلمـــان)، ۶۲ (دارا بودن اهداف کوتاه‌مدت، بلندمدت و میان‌مدت) و ۶۵ (به‌کارگیری کارکنان در جایگاه مرتبط با رشته خود) توافق کامل داشتند (کسب ضریب توافق ۱۰۰).

بحث و نتیجه‌گیری

براساس نتایج این پژوهش مدرسه موفق مدرسه‌ای نیست که فقط بالاترین آمار پیشرفت تحصیلی و پذیرش در دانشگاهها را داشته باشد، بلکه مدرسه‌ای است که ابعاد رشدی نوجوانان را در نظر بگیرد و برای آن برنامه‌ریزی کند و در این راستا هیچ بعدی از رشد نوجوانان را بر دیگری برتری ندهد، به‌طوری که نتایج پژوهش حاضر نشـــان داد که چهار شـــاخص رشد هیجانی، رشد اجتماعی، رشد شغلی و رشد شناختی از ملاکهای کلی یک مدرسه موفق هستند.

در تبیین شاخص رشد هیجانی مدرسه موفق و زیرشاخه‌های مربوط به آن می‌توان گفت که مدرسه مکانی هیجان- محور است و دانش‌آموز در آن هیجانات زیادی را تجربه می‌کند. مدرسه باید دانش‌آموز را با احساســـات مثبت و منفی خود مانند همدلی، عصبانیت، احساس شرمساری، احساس ارزشمندی، حســـادت، بی‌احترامی و ... آشـــنا کند و مدیریت هیجانها را به وی بیاموزد تا دانش‌آموز در سایه محیط ایمن مدرســـه بتواند کنترل هیجانهای خود را در دست گیرد، چرا که ابراز مدیریت‌شدهٔ هیجانات مانع از ســـرکوبی و تلنبار شـــدن آن و پیشـــگیری از افراط هیجانی و رفتارهای منفی در صحنه‌های دیگر زندگی اجتماعی می‌شـــود. در همین راســـتا یکی از متخصصان اظهار کرد که «رشد هیجانی به معنای شـــناخت و درک حالات احساســـی متفاوت یکی از پیش‌نیازهای اصلی خودشناسی است. پژوهشهای بسیار اثربخشی رشد هیجانی را بر خودکارآمدی، عزت‌نفس، مدیریت زمان و بسیاری از مؤلفه‌های مؤثر بر پیشـــرفت تحصیلی دانش‌آموزان، تأیید کرده‌اند» (آقا، ۳۵ ساله). توجه به رشد هیجانی دانش‌آموزان از این نظر حائز اهمیت اســـت که می‌تواند مقدمه ارتباطات ســـالم و مؤثر در زندگی فردی و اجتماعی نوجوانان باشد. شناسایی احساسات خود و دیگران و توانایی همدلی با دیگران و همچنین بروز احساسات به شیوه‌ای مناسب زمینه‌ساز موفقیت در زندگی شغلی و خانوادگی است. پس رشد هیجانی را می‌توان از اصلی‌ترین ابزارهای کسب موفقیت دانش‌آموزان به‌حساب آورد، چون سبب استفاده بهتر از تواناییها و اســـتعدادها می‌شود و نوجوانان در مقابل آسیبهای اجتماعی مقاوم‌تر می‌شوند (هاس، مک‌آرتور، بورک،

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1401.38.2.6.6]

اولینو، آبرامسون و الوی[1]، ۲۰۱۹).

مدرسه زمینه‌ای اساسی برای رشد اجتماعی نوجوانان است. به‌طورکلی با برقراری روابط اجتماعی که در مدرسه صورت می‌گیرد، دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که در تعامل با دیگران باشند؛ حتی در این دوران دوستیهایی ایجاد می‌کنند که می‌تواند یک عمر طول بکشد (آلوارز- گارسیا، گارسیا و نونیئز[2]، ۲۰۱۵). بنابراین دوران نوجوانی دوره‌ای ضروری برای کسب، تمرین و توسعه مهارتهای اجتماعی، نگرشها و رفتارهاست و مدارس در این زمینه نقشی مؤثر دارند (گبورز و همکاران، ۲۰۱۵). نکته مهم دیگر که در ذیل این شاخص قرار می‌گیرد، الگوپذیری دانش‌آموزان در این برهه سنی است. همانندسازی با الگوها، فرایندی اساسی در شکل‌گیری هویت دانش‌آموزان است و چنانچه مواد و محتوایی مناسب در اختیار آنها قرار داده نشود به الگوهای خودساخته یا جعلی دیگرساخته پناه خواهند برد. همچنین الگوهای بومی با مؤلفه‌های فرهنگی هر منطقه آمیخته‌اند و ابزاری بسیار مناسب برای انتقال دادن این مؤلفه‌های فرهنگی به‌دانش‌آموزان هستند. عدم انتقال این مؤلفه‌های فرهنگی منجر به ظهور نسلی بیگانه از نسل پیشین خود خواهد شد. این کار هویت‌یابی، دلبستگی و حس خودباوری فرهنگی و ملی را تقویت و از تقلیدهای کورکورانه منفی پیشگیری خواهد کرد. بر همین اساس گروه پانل تأیید کردند که یکی از مهم‌ترین وظایف مدارس الگوسازی براساس مؤلفه‌های بومی است.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که رشد شغلی یکی از شاخصهای بسیار مهم موفقیت مدارس است و مدرسه باید چشم‌اندازی روشن برای آن داشته باشد. براساس نتایج به‌دست آمده از پژوهش حاضر مدارس موفق مدارسی‌اند که برنامه‌های کارآموزی شغلی داشته باشند تا نوجوانان را به دنیای کار بزرگسالی وارد کنند و رشد و ارتقای هویت شغلی آنها را تأمین نمایند (صفری‌شالی و عبدمولایی، ۱۳۹۴). در همین‌زمینه یکی از متخصصان اظهار داشته است که «ایجاد زمینه‌های شناخت مشاغل، مهارتها و انتخاب سنجیده و آگاهانه وآموزشهای مقدماتی و تکمیلی قطعاً مانع از سردرگمی و فرصت‌سوزی خواهند شد. این امرکمک می‌کند که دانش‌آموزان به آینده شغلی امیدوار شوند و به‌تدریج جهت‌گیری خود را به سمت مشاغل خاص بیابند. امروزه این توجه و برنامه‌ریزی در حد راهنمایی و اطلاع‌رسانی از مشاغل است، اما مدارس باید آموزشهای مرتبط با مشاغل را در دستور کار قرار دهند. استعدادها و تواناییهای نوجوانان در این مرحله کشف می‌شود و مدرسه باید در راه رسیدن به آنچه نوجوان می‌خواهد او را هدایت کند (خانم، ۴۷ ساله)».

در تبیین اهمیت شاخص رشد شناختی در موفقیت مدرسه می‌توان گفت که با ورود به دوره نوجوانی تحولی کیفی در تفکر پیدا می‌شود که به محیط بسیار وابسته است. ازاین‌رو توجه به رشد شناختی نوجوانان در مدرسه بسیار مهم است. همچنان که خانمی ۴۲ ساله در تبیین اهمیت این شاخص بیان می‌کند که «توجه به تفاوتهای فردی و کمک به دانش‌آموزان در شناخت ویژگیهای شخصیتی خود و امکانات محیطی

1. Haas, McArthur, Burke, Olino, Abramson & Alloy
2. Álvarez-García, García & Núñez

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1401.38.2.6.6]

از مهم‌ترین اولویتهای یک مدرسه موفق است، چرا که پرورش رشد شناختی از اصلی‌ترین ابزارهای کسب موفقیـــت دانش‌آموزان خواهد بود. برای این منظور معلم باید با توجه به تفاوتهای فردی ســـطح کارکرد شناختی دانش‌آموزان را تشخیص دهد و براساس آن اقدام کند.» باور متخصصان این بود که نادیده گرفتن تفاوتهای فردی، ضررهای جبران‌ناپذیر در ســـاختار پرورشـــی و آموزشی مدارس ایجاد می‌کند و توجه به تفاتهای فردی را می‌توان اصلی‌ترین وجه تمایز مدرسه موفق با سایر مدارس دانست. توجه نکردن به این مهم سبب بی‌انگیزگی، دلسردی، هدر رفت تمامی تلاشها و حتی ترک تحصیل می‌شود.

بنابراین مدرسه موفق باید به رشد هیجانی، رشد اجتماعی، رشد شغلی، رشد شناختی- تحصیلی توجه خاص داشته باشد و در راستای این هدف ویژگیهایی داشته باشد مانند داشتن فضای فیزیکی مناسب، ایجاد سرگرمیها و فعالیتهای فوق‌برنامه سازنده آموزشی، فرهنگی، ورزشی، هنری و تفریحی، داشتن کارکنان توانمند وحرفه‌ای، ایجاد رابطه صمیمانه با دانش‌آموزان، داشتن رابطه‌ای کارآمد با اولیای دانش‌آموزان، برخوردار بودن از فضای روانی مناســـب که بدون تنش و اضطراب باشـــد و از خشونت و رفتارهای مخرب پیشگیری کند تا دانش‌آموز با احساس مثبتی وارد مدرسه شود و برای خروج از آن لحظه‌شماری نکند. معلمان و مشاوران برای هدایت و راهنمایی نوجوان در دسترس باشند، به‌طوری‌که نوجوان آنها را قابل اعتمادترین بداند تا برای مشاوره به آنها مراجعه کند. در این میان از نقش مهم مدیر مدرسه نباید غافل بود. به‌طورکلی برنامه‌ها و فعالیتهای آن باید همگی در جهت آماده ساختن نوجوانان برای زندگی و اشتغال در آینده باشد.

پژوهشگران در این پژوهش با محدودیتهایی مانند عدم همکاری به موقع گروه پانل و تأخیر در ارائه پاسخنامه‌های ارسال شده روبه‌رو بودند، لذا به‌نظر می‌رسد ارائه مشوقهای مالی قوی می‌تواند تا حدودی این مســـأله را برای پژوهشـــگران بعدی حل کند. در این پژوهش از روش دلفی استفاده شده است، اما پژوهشگران می‌توانند در کارهای آتی از روش‌شناسیهای کمی برای تأیید یافته‌های کیفی این پژوهش بهره بگیرند یا پژوهش خود را در جهت مقایسه مدرسه موفق با دیگر مفهوم‌سازیهای انجام شده در حوزه مدرسه، مانند مدرسه کیفی یا راه حل- محور به انجام برسانند.

گروه پانل پیشـــنهاداتی در حوزه آموزش، پرورش و فضای فیزیکی مدرسه ارائه دادند که عبارت‌اند از: خشم، آموزش مربوط به دوران بلوغ و خودمراقبتی جنسی، آموزش تاب‌آوری، آموزش مهارت حل مساله، تفکر انتقادی، مهارت نه گفتن و نحوه دوســـتیابی. این گروه در حوزه پرورشـــی نیز به بهره‌گیری از گروه مشـــاوران و روانشناسان باتجربه، بررسی مشـــکلات دانش‌آموزان و ارائهٔ راه حل به آنها، ارتباط مستمر با والدین، استقرار مددکار اجتماعی در مدرسه، شناخت دانش‌آموزان در معرض خطر و حل مشکلات آنها و برگزاری مسابقات هدفمند به‌منظور پرورش خلاقیت اشاره کردند. همچنین در زمینه فضای فیزیکی مدرسه معتقد به بسترسازی ساختارهای هیجان - مدار مانند رنگ آمیزی شاد، پوشش گیاهی زنده، تزیین کلاسها متناسب با محتوای هر درس، دارا بودن نور کافی و وسایل سرمایشی و گرمایشی مناسب، داشتن سالنهای ورزشی و بازی، کلاسهایی با نسبت معلم به دانش‌آموز کم و کادر هماهنگ با روحیه تیمی بالا بودند.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1401.38.2.6.6]

منابع

REFERENCES

جهانیان، رمضان و بلادی‌نژاد، حسام‌الدین. (۱۳۹۱). بررسی و مقایسه وضع موجود و مطلوب عملکرد مدارس غیردولتی شهر کرج از دیدگاه اولیاء دانش‌آموزان. *فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی، ۶* (۲)، ۲۵-۳۷.

صدوقی، فرحناز؛ نصیری، سمیه و لنگری‌زاده، مصطفی. (۱۳۹۳). مجموعه حداقل داده دوره پریناتال برای ایران: مطالعه دلفی. *مدیریت اطلاعات سلامت، ۱۱* (۶)، ۶۶۷-۶۸۰.

صفری‌شالی، رضا و عبدمولایی، آتیه. (۱۳۹۴). تأثیر عوامل اجتماعی شدن بر هویت نوجوانان(همسالان، مدرسه و رسانه). *فصلنامه خانواده و پژوهش، ۱۲* (۲)، ۱۱۷-۱۳۶.

فلسفی‌نژاد، محمدرضا؛ دلاور، علی؛ زندی، فرزاد؛ فرخی، نورعلی و عباسپور، عباس. (۱۳۹۶). شناسایی منابع و تجهیزات موثر در رتبه‌بندی و ارزشیابی عملکرد مدارس مقطع ابتدایی در استان کردستان. *فصلنامه علمی - پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، ۸* (۱)،۷۱-۸۸.

گلسر، ویلیام. (۱۹۹۰). *مدرسه کیفی*، ترجمه علی صاحبی (۱۳۹۲). تهران: انتشارات سایه سخن.

لطف‌آبادی، حسین. (۱۳۸۰). *روانشناسی رشد (۲): نوجوانی، جوانی و بزرگسالی*. تهران: انتشارات سمت.

مجدفر، مرتضی. (۱۳۸۵). ویژگی‌های یک مدرسه موفق. *همشهری آنلاین*، جمعه ۷ مهر ۱۳۷۵. قابل دسترسی در: http://www.hamshahrionline.ir/details/5017

Álvarez-García, D., García, T., & Núñez, J.C. (2015). Predictors of school bullying perpetration in adolescence: A systematic review. *Aggression and Violent Behavior*, *23*, 126-138.

Campbell-Heider, N., Tuttle, J., Bidwell-Cerone, S., Richeson, G., & Collins, S. (2003). The buffering effects of connectedness: A «Teen Club» intervention for children of substance abusing families. *Journal of Addictions Nursing*, *14*(2), 175-182.

Crosnoe, R., & Johnson, M. K. (2011). Research on adolescence in the twenty-first century. *Annual Review of Sociology*, *37*, 439-460.

Danciu, E. L. (2014). Specificity and efficiency in using non-conventional methods for adolescent education. *Procedia-Social and Behavioral Sciences, 163*, 104-109.

DePasque, D., & Galván, A. (2017). Frontostriatal development and probabilist reinforcement learning during adolescence. *Neurobiology of Learning and Memory*, *143*, 1-7.

Geboers, E., Geijsel, F., Admiraal, W., Jorgensen, T., & ten Dam, G. (2015). Citizenship development of adolescents during the lower grades of secondary education. *Journal of Adolescence*, *45*, 89-97.

Haas, L. M., McArthur, B. A., Burke, T. A., Olino, T. M., Abramson, L. Y., & Alloy, L. B. (2019). Emotional clarity development and psychosocial outcomes during adolescence. *Emotion, 19*(4), 563-572.

Hale, J. V., & Robey, P. A. (2019). It all begins with relationships: The Glasser Quality School Model. In K. Daniels, & K. Billingsley (Eds.), *Creating caring and supportive educational environments for meaningful learning* (pp. 20-35). Hershey, PA: IGI Global.

Havighurst, S. S., Kehoe, C. E., & Harley, A. E. (2015). Tuning in to teens: Improving parental responses to anger and reducing youth externalizing behavior problems. *Journal of Adolescence, 42*, 148-158.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1401.38.2.6.6]

Keeney, S., Hasson, F., & McKenna, H. (2011). *The Delphi technique in nursing and health research.* West Sussex: Wiley-Blackwell Pub.

Linstone, H. A., & Turoff, M. (Eds.). (2002). *The Delphi method: Techniques and applications*. Addison-Wesley Educational Publishers.

Scott-Parker, B. (2017). Emotions, behaviour, and the adolescent driver: A literature review. *Traffic Psychology and Behaviour, 50*, 1-37.

Tomczyk, S., Isensee, B., & Hanewinkel, R. (2015). Moderation, mediation - or even both? School climate and the association between peer and adolescent alcohol use. *Addictive Behaviors*, *51*, 120-126.

Vedder, P., Boekaerts, M., & Seegers, G. (2005). Perceived social support and well being in school: The role of students' ethnicity. *Journal of Youth and Adolescence*, *34*(3), 269-278.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1401.38.2.6.6]